

جایگاه مهمان و مهمان نوازی در معماری خانه‌های مشهد (بررسی تطبیقی چند خانه‌ی دوران پهلوی و واحدهایی از مجتمع مسکونی آرمس در مشهد)^۱

سال سیزدهم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۲۵

شماره صفحه: ۹۹-۱۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۴

فاطمه فیروزی^۲

ربابه علیپور^۳

چکیده

در گذشته محل مهمان و مهمان‌داری خانه بوده است. با بررسی ساختار کالبد و فضای خانه‌های سنتی می‌توان به ارزش مهمان و سنت مهمان‌نوازی در فرهنگ ایرانیان پی برد. امروزه تغییر سبک زندگی باعث کاهش رواج مهمان‌پذیری و مهمان‌داری داخل خانه شده؛ اما نمی‌توان نقش تغییرهای کیفی و کمی کالبدی خانه‌ها و همچنین انعطاف ناپذیری فضاها را در دامن زدن به این مسأله نادیده انگاشت. میزبان معاصر برای پذیرایی از مهمان در خانه نامتناسب با فرهنگ ایرانی مشکلات زیادی دارد؛ اما هنوز این سنت حسنه میان مردم جایگاه خود را از دست نداده است. از سوی دیگر لزوم پرداختن به موضوع مهمان‌پذیری در خانه‌های شهر مشهد با وجود بارگاه امام رضا (ع) و زیارتی بودن این شهر بیش از دیگر شهرها احساس می‌شود؛ لذا این پژوهش با فرض اینکه خانه‌های امروز نسبت به خانه‌های دیروز، از لحاظ مهمان‌پذیری و آداب مهمان‌پذیری دست‌خوش تغییرهای اساسی شده است و با هدف «تبیین راهکارهای فضایی مناسب برای بهبودبخشی مهمان‌داری در طراحی‌های مجتمع مسکونی امروز در مشهد» به تحلیل خانه‌های شهر مشهد در گذشته (خانه‌های دیروز) و خانه‌های امروز (دوران معاصر) می‌پردازد و در پی پاسخ به این پرسش است که در ساختار فضایی و

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد فاطمه فیروزی تحت عنوان "طراحی واحدهایی از مجتمع مسکونی با رویکرد مهمان‌نوازی" است، که با راهنمایی ربابه علیپور در مؤسسه آموزش عالی اشراق بجنورد به انجام رسیده است.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معماری، مؤسسه آموزش عالی اشراق بجنورد، نویسنده مسؤول
Fatemeh_firoozi_Architect@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری معماری دانشگاه تهران و عضو هیأت علمی مؤسسه آموزش عالی اشراق بجنورد
robab_robab@hotmail.com

کالبدی خانه‌های سنتی ایران بزرگداشت از مهمان به چه صورتی انجام می‌شده است و از طرف دیگر در خانه‌های امروز جایگاه مهمان چگونه جلوه یافته است. جامعه آماری و گونه‌ها به صورت تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. در انتخاب خانه‌های پهلوی به دلیل دسترسی محدود، موردهایی انتخاب شدند که امکان برداشت نقشه و مصاحبه با افراد خانه وجود داشته است. از آنجا که امروزه زندگی کردن در مجتمع‌های مسکونی بسیار فراگیر شده است، پژوهشگران به طور تصادفی مجتمع مسکونی آرمس را برگزیدند. این پژوهش با برقراری ارتباط میان مفاهیم حوزه‌های مورد مطالعه و بررسی نمونه‌های موردی به صورت میدانی (عکس‌برداری، تحلیل نقشه‌ها و مصاحبه شفاهی) در چند گام به پاسخ پرسش نزدیک می‌گردد و در نهایت با بهره‌گیری از انعطاف‌پذیری تطبیق یافته با شرایط روز مهمان‌پذیری را تا حدی عملی دانسته است.

واژگان کلیدی: خانه، مسکن ایرانی، خانه‌های سنتی مشهد، مهمان‌نوازی، مجتمع مسکونی

مقدمه

خانه نقش بسیار مهمی در زندگی و ایجاد آرامش افراد دارد. معمولاً در زندگی هر فرد یک یا چند خانه برایش متمایز است و به آن احساس بهتری دارد؛ به گونه‌ای که با شنیدن واژه‌ی "خانه"، آن مکان در ذهن وی تداعی می‌گردد؛ حتی اگر محل زیست کنونی‌اش نباشد. خانه‌ای که برای یک فرد بیگانه نیست و آن را به دیگر مکان‌ها ترجیح می‌دهد. گویی برخی از خانه‌ها بیشتر معنای "خانه" دارند و به سبب رفع نیازها و احساس راحتی اعضا خانواده علاقه بیشتری در آن‌ها ایجاد می‌کنند و بخشی از وجود آن‌ها می‌گردند (حجت، مظفر و سعادت، ۱۳۹۷: ۵۲). حتی این احساس می‌تواند نسبت به خانه‌ی شخص دیگری، مانند خانه‌ی مادر بزرگ و مانند آن ایجاد شود. پلاسما^۱ (۱۳۸۹: ۲۷) خانه یک شیء یا ساختمان نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از شرایط است که خاطرات، آرزوهای گذشته و حال را یکجا در خود جای می‌دهد. به اعتقاد راپاپورت^۲

1. pallasmaa
2. Amos rapaport

عامل فرهنگ و درک انسان‌ها از جهان و حیات که شامل اعتقادات مذهبی، ساختار اجتماعی قبیله، خانواده، روش زندگی و شیوهی ارتباطات اجتماعی افراد است، نقش مؤثری در خانه و سازمان تقسیمات فضایی آن داشته است (مسائلی، ۱۳۸۸: ۳۴). طبق مطالعات صورت گرفته^۱، فضای جنسیتی خانه برای خانم و دخترهای خانه مکانی برای گذراندن وقت بوده است. آن‌ها با انجام کارهایی مانند جارو کردن خانه و حیاط، پخت و پز، شست و شوی لباس و ظروف کنار حوض و کارهای فصلی مانند تهیه کردن رب، مربا و ترشیجات یا شست و شوی فرش، پتو و غیره بیشتر عمرشان را در خانه سپری می‌کردند. این بخش از خانه‌های امروزی از بین رفته است. البته باید توجه داشت در شکل‌گیری خانه‌های سنتی ایران، عوامل و عناصر زیادی نقش داشته است. در این میان، یکی از عوامل تعیین‌کننده، عامل فرهنگ است (ولی‌زاده اوغانی و ولی‌زاده اوغانی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). خانه یکی از میراث‌های معماری ایرانی است که فرهنگ ایرانی را در دل خود جای داده است و به‌گونه‌ای شکل گرفته که نیازهای مادی و معنوی انسان را برطرف سازد. خانه‌های سنتی ایران به خوبی نشان‌دهنده احوال افراد ساکن خانه بوده است و رفتار، فرهنگ و ویژگی‌های خاص اخلاقی خانواده را به نمایش می‌گذاشته. مهمان‌پذیری فرهنگی پرمایه در بین ایرانیان است. در خانه‌های سنتی با توجه به وجود عناصر اشرافیت و حریم خصوصی، رفت و آمد مهمان و پذیرایی میزبان آسوده‌تر بوده است. به نظر می‌رسد در خانه‌های امروزی، توجه چندانی به معماری و فرهنگ مهمان‌نوازی نمی‌شود و پایبندی به اصول فرهنگی در ساختار فضایی خانه‌ها کمرنگ‌تر از گذشته شده است. بنابراین خانه‌های امروزی با معیارهای درونی انسان امروز ایران چندان همخوانی ندارد.

اسلام خانه‌ای را که مهمان داخل آن نمی‌شود و همچنین کسی را که مهمان‌داری نمی‌کند و از مهمان فراری است، مذمت کرده است. یکی از فرق‌های اساسی انسان با موجودات دیگر این است که انسان هم‌نوعان خویش را در غذا، مسکن و اموال خود شریک می‌کند. ولی موجودات دیگر مثل حیوانات، هم‌نوعان خود را فراری می‌دهند.

۱. جهت اطلاعات بیشتر رجوع شود به: "در خانه انسان‌شناسی فضای خانگی". ترجمه: غزنویان زهرا، صف شکن محسن، نظری الهام، دلنواز نازنین و صادقی تبار لیلا. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر.

متأسفانه در عصر ما این سنت انسانی چنان محدود شده که در بعضی از جوامع غربی تقریباً برچیده شده است. یکی از صفات بسیار پسندیده - که اگر در هر فرد وجود داشته باشد، فضیلتی بزرگ محسوب می‌شود-، مهمانداری و مهمان‌دوستی است (خلعتبری لیمایی، ۱۳۸۸: ۳۱، به نقل از شعیری، ۱۳۷۲).

عدم توجه به فرهنگ مهمان‌نوازی باعث به‌وجود آمدن پدیده مهمان‌گریزی می‌شود. حال این سؤال به‌وجود می‌آید که آیا ویژگی‌های کالبدی خانه یا به بیان دیگر معماری خانه می‌تواند نقشی در این راستا داشته باشد؟ خانه‌های دیروز ایرانی چگونه علاوه بر نیازهای مادی و معنوی افراد خانه نیازهای مهمان را هم پاسخگو بوده اند؟ ویژگی‌هایی که خانه را برای روابط افراد با یکدیگر مناسب می‌سازد، در هر قسمت از خانه ترکیب شده و فضاهای مناسب با روابط اجتماعی، رفتاری و عاطفی هر شخص شکل گرفته است. این پژوهش به یکی از انواع روابط انسان با انسان که در بسترخانه شکل می‌گیرد و در دسته روابط اجتماعی جای می‌گیرد، می‌پردازد و کیفیت‌های مؤثر خانه در ایجاد و یا ارتقای آن را تبیین می‌نماید. از دیگر ویژگی‌های سبک جدید زندگی تجمل‌گرایی، فخرفروشی و خودنمایی است که سبب می‌شود افراد، کم‌تر تمایلی به ملاقات و دید و بازدید داشته باشند. این باعث کاهش مهمان‌نوازی می‌شود که یکی از مؤلفه‌های اخلاق اسلامی ما ایرانیان است و به‌عنوان یک عامل متأثر از فرهنگ، تأثیر زیادی در ساختار فضایی خانه‌های سنتی ایران داشته است. از این‌رو، بررسی مهمان‌پذیری و جلوه‌ی آن در ساختار فضایی خانه‌های سنتی ایران، امری ضروری تلقی می‌شود.

درخواست روز افزون برای مسکن، افزایش جمعیت شهرها، کمبود زمین و تقلیدهای نادرست در طراحی باعث کم‌رنگ شدن آثار مثبت مفهوم زندگی و در نتیجه کاهش کیفی فضای خانگی شده است. از طرفی با توجه به تغییرهای قابل مشاهده و محسوس در زندگی ایرانیان و حضور حداکثری اعضای خانواده در بیرون از خانه و فرد محوری منتج از تفکر مدرنیته، خانه‌های امروزی ما بیشتر از آنکه اعضای خانواده را گرد هم آورد، فضای اقامتی و خوابگاه شبانه این افراد و فقط پاسخگوی حداقل نیازهای جسمی فرد است و مسائل فرهنگی، روحی و احساسات جمع‌گرایانه کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد. این تغییر و تحول‌ها در نحوه‌ی زندگی مردم باعث شده که حتی آداب مهمان‌داری و

مهمان‌پذیری هم تغییر کند. خانه‌های امروزی دیگر پذیرای مهمان نیست. مهمان‌نوازی از دیرباز در فرهنگ مردم ایران، بخصوص مردم مشهد، ریشه داشته است. به دلیل وجود بارگاه مطهر حضرت رضا (ع) مسافران بسیاری از سراسر کشور به شهر مشهد سفر می‌کنند. در گذشته سعی بر این بوده که با بهترین امکانات و وسایل از مهمان پذیرایی کنند. مهمان‌پذیری در خانه‌های دیروز ایرانی مورد توجه بوده و جایگاه خاصی داشته است. این توجه در خانه‌های دیروز مشهد نیز قابل ملاحظه است. به دلیل وجود فرهنگ زیارت، عموماً مهمان‌پذیری در این شهر به بازه‌های زمانی بیشتر از یک روز تهی می‌شده است؛ ولی امروز دو مسأله‌ی مهم باعث عدم پذیرش مهمان شده است: نخست طراحی‌های نامناسب خانه‌های امروز و دیگری تغییر شدید روش و سبک زندگی مردم.

روش تحقیق

این تحلیل از نوع کیفی و توصیفی است که برای یافتن صفات و کیفیت‌های مؤثر خانه در شکل‌گیری فرهنگ مهمان‌نوازی، انجام می‌شود. بنابراین از دیدگاه هدف، کاربردی است. این فرآیند با مرتبط نمودن مفاهیم و گزاره‌ها به شیوه منطقی و با بررسی نمونه‌های قدیمی و تطبیق آن با شرایط جدید در نهایت می‌تواند منجر به تبیین راهکار گردد. برای انجام مطالعه از شیوه‌های مرسوم جمع‌آوری اطلاعات شامل اسنادی و میدانی بهره‌گیری شده است. در بخش مطالعات کتابخانه‌ای مبانی نظری موضوع بررسی و مفهوم تکریم مهمان و مهمان‌پذیری از کتب اندیشمندان و صاحب‌نظران استخراج شده است. سپس جلوه‌های آن در ساختار فضایی خانه‌های سنتی مشهد مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش سعی بر این بوده است که برای همخوانی و هماهنگی بهتر مطالعات، یافته‌های نظری و کتابخانه‌ای با تحقیقات میدانی (برداشت نقشه، عکس و مصاحبه شفاهی با اهالی خانه‌های گذشته) سنجیده شود. ضمن تأکید بر محدودیت‌های زمانی و مکانی در انتخاب نمونه‌ها، پژوهشگران نمونه‌ها را به روش تصادفی ساده در برداشت‌ها و بازدیدهای میدانی خود انتخاب نمودند. در ابتدا نمونه‌های برداشت شده، بیشتری بود؛ اما در ادامه اولویت به خانه‌هایی داده شد که امکان مصاحبه

شفاهی با ساکنان خانه یا مردم محله و همسایگان آن فراهم بود. از سویی برای شرایط امروز مجتمع مسکونی انتخاب گردید که به لحاظ ساخت و قدمت و کیفیت طراحی جز موارد موفق شهر مشهد است و به خوبی احوال زندگی روزمره ساکنان امروز را نمایان می‌سازد. شناخت مفاهیم مرتبط با دو حوزه خانه و فرهنگ مهمان‌پذیری از اصلی‌ترین بخش‌های این فرآیند بوده است. به دنبال آن ساخت الگوهای ارتباط دهنده این مفاهیم ممکن می‌گردد.

برای مطالعات دقیق‌تر و نظامندتر و تحلیل یافته‌ها به صورتی مفید، نیاز است که پیشینه‌ی این پژوهش به صورت دقیق بررسی شود. در ابتدا متون و ادبیات نظری موجود در حوزه رسوم مهمان‌نوازی و جایگاه آن در فرهنگ ایرانی و در گام بعد جایگاه خانه، معنا و مفهوم آن در ادبیات نظری موجود بررسی می‌شود. در حوزه‌ی خانه از منظرهای مختلف مانند تعاریف خانه، ویژگی‌های خانه و دیگر جزئیات مربوط به آن نظریه پردازان بسیاری به صورت گسترده پژوهش‌هایی انجام داده‌اند؛ اما درباره‌ی فرهنگ و آداب مهمان‌پذیری بررسی و پژوهش‌های زیادی صورت نگرفته است. همین گواه بر این است که این بخش از فرهنگ مورد غفلت قرار گرفته است. بنابراین، این نقص در معماری خانه‌های امروزی ما بسیار دیده می‌شود و نیاز به بازنگری دارد. همچنین در پایان لازم است یادآوری شود که در خانه‌های مشهد فقدان اطلاعات و نقشه‌های دوران پهلوی بسیار است.

مهمان‌نوازی و جایگاه آن در فرهنگ ایرانی - اسلامی از دیدگاه نظریه پردازان

جمله‌ی «مهمان حبیب خداست» سنت جاری و پذیرفته شده‌ای مسلمانان است؛ زیرا مهمان برای رضای خدا به ملاقات دوستش رفته است؛ پس خدا او را دوست دارد. در نتیجه باید به گرمی پذیرایی شود (معماریان و دیگران، ۱۳۸۹). مهمان و مهمان‌نوازی از دیرباز نزد ایرانیان جایگاه ویژه‌ای داشته و مردمان ایران زمین در این باره از آیات قرآنی، روایات اسلامی و دیگر منابع موجود بهره گرفته‌اند. از سوی دیگر تکریم مهمان در معماری خانه‌های سنتی ایران نمود و تجلی خاصی داشته است که به روشنی می‌توان ابعاد گوناگون آن را در ساختار فضایی از جمله، ساباط، سردر ورودی، هشتی،

حیاط، اتاق‌های پذیرایی و غیره مشاهده نمود (ولیزاده اوغانی و ولیزاده اوغانی، ۱۳۹۱: ۱۱۳). مهمان‌داری و مهمان‌نوازی یکی از صفات برجسته هر فرد، قوم یا ملتی است. مهمان‌نوازی از سجایای برجسته اخلاقی نیز به شمار می‌رود و ملت‌هایی که بهره بیشتری از این سجیه اخلاقی دارند، به آن مباهات و افتخار می‌کنند. خداوند تبارک و تعالی در حدیث قدسی می‌فرماید: ای فرزند آدم! مالی که در دست تو است، مال من است و تو هم بنده من هستی و مهمانی که برای تو می‌رسد، فرستاده من است. اگر مال مرا از فرستاده‌ام منع کنی، به بهشت من امید نداشته باش و نخواه تو را به بهشت ببرم (خلعتبری لیماکی، ۱۳۸۸: ۸). پیامبران و امامان نیز توجه ویژه‌ای به مهمان‌پذیری داشته‌اند و روایات و احادیث بسیاری از آنان نقل کرده‌اند. برای مثال پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «به حاضران و غائبان امتم وصیت می‌کنم: که دعوت برادر مسلمان خود را اجابت کنند، حتی اگر مسافت آن پنج میل باشد؛ چون این عمل جزء ایمان شماس» (اترک، ۱۳۹۱: ۸۷). امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید: «یکی از حقوق مؤمن بر برادر مؤمنش این است که دعوت او را اجابت کند». ایشان در فرازی دیگر «از جمله چیزهایی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به فاطمه زهرا (س)، تعلیم داد، این بود: کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید مهمانش را اکرام کند» (خلعتبری لیماکی، ۱۳۸۸: ۱۲) برخی وظایف میزبان در روایات اسلامی چنین بیان شده است: اکرام و استقبال از مهمان، پذیرایی کافی و مناسب از وی، غذا خوردن با مهمان، پرهیز از به کار گرفتن مهمان و بدرقه کردن وی؛ اما وظایف مهمان در برابر میزبان عبارت است از: همراه نبردن غیرمدعو، نشستن در جایگاه تعیین شده از سوی میزبان، کوتاه کردن زمان مهمانی، نگاه داشتن چشم، تجسس نکردن و رازداری مسائل خانوادگی میزبان. آنچه از بررسی روایات اسلامی درباره‌ی آداب مهمانی به دست می‌آید این است که شرع مقدس اسلام به سبب فواید اجتماعی بسیار فراوان مهمانی، از جمله ایجاد صلح‌رحم، ایجاد انس و الفت میان خویشاوندان، همسایگان و امت اسلامی، آگاهی از احوال یکدیگر و کمک به هم، دستگیری از خانواده‌های مستمند و فقیر که محتاج غذای روزانه‌اند، جلوگیری از تنهایی افراد و مشکلات روحی و روانی ناشی از آن و غیره، توصیه‌ی مؤکد به مهمانی دادن می‌کند؛ ولی در عین حال می‌کوشد با کم‌ترین هزینه برای هر

دو طرف میزبان و مهمان، این کار مهم صورت گیرد (اترک، ۱۳۹۱: ۱۰۰). مهمان‌نواز مناسب نشان از توجه به مقام مهمان و عاملی برای حفظ نام و اعتبار در میان مردم بوده است. تدارک اسباب آسایش مهمان از ملزومات تکریم مهمان بوده است. یکی از این اسباب، تأمین فضایی مناسب و درخور مهمان بوده است. این فضا در خانه بیرون مجموعه خانه‌های سنتی شکل می‌گرفت. از این‌رو خانه‌ی بیرونی به محلی برای نمایش جایگاه اجتماعی و پذیرایی از مهمان بدل می‌گشت؛ در حالی که خانه‌ها و حیاط‌های دیگر مجموعه خانه، محل اصلی زندگی خانواده‌ی گسترده بود (فردانش، محمدحسینی و حیدری، ۱۳۹۳: ۹۵). رسول خدا (ص) فرمود: «همانا مهمان با آمدنش روزی خود را از آسمان برای میزبان به همراه می‌آورد و هرگاه غذا خورد، خدا به برکت آمدنش آنها را می‌بخشد» (اترک، ۱۳۹۱: ۹۷). آداب و چگونگی پذیرایی از مهمان در جوامع، متفاوت است و در هر جامعه‌ای به نوعی از مهمان‌پذیری می‌کنند. ایرانیان که از دیرباز به مهمان‌نوازی معروف بوده‌اند، مهمان‌داری و مهمان‌نوازی را یکی از صفات برجسته هر فرد، خانواده، روستا یا شهر می‌دانند. وقتی کسی می‌خواهد از خوبی‌های شخصی یاد کند، می‌گوید: «آدم مهمان‌نوازی است» یا «مردم فلان شهر، آدم‌های مهمان دوستی هستند و از مهمان، خوب پذیرایی می‌کنند». مهمان‌نوازی از سجایای برجسته اخلاقی است و ملت‌هایی که بهره بیشتری از این سجیه اخلاقی دارند، به آن مباهات و افتخار می‌کنند. در فرهنگ مردم ایران آداب و آیین‌های خاصی برای مهمان و مهمان‌داری وجود دارد (خلعتبری لیمایی، ۱۳۸۸: ۵).

خانه از دیدگاه نظریه پردازان

مارتین هایدگر^۱، فیلسوف پدیدارشناس آلمانی در سال ۱۹۵۱ در سخنرانی معروف خود با عنوان «ساختن، سکونت گزیدن و اندیشیدن» معماری معاصر را نقد می‌کند. پدیدارشناسی، رویکردی برای شناخت احوال مردم و دنیای آنها است و به همین‌رو برای اشیاء، موضوع و ماهیتی بیش از سطح ظاهری‌شان قائل است. از نظر هایدگر سکونت به

معنی فرآیندی است که آدمی در جریان آن "مکان بودن" را تبدیل به خانه می کند و با چهار منبع اصلی تفکر یعنی خدا، خود، آسمان و زمین به برقراری هماهنگی می پردازد (یاراحمدی، ۱۳۷۸: ۲۲۳). کوربوزیه^۱ (۱۳۵۴: ۳۶) باور دارد خانه پوششی است که در تطابق با برخی شرایط، رابطه صحیحی را بین محیط خارج و پدیده های زیستی انسانی برقرار می کند. در خانه باید یک فرد -یا یک خانواده- زندگی کند؛ یعنی اینکه بخواهد، راه برود، دراز بکشد، ببیند و فکر کند. کوربوزیه با جمله ی معروف "خانه ماشینی است برای زندگی" انقلابی عظیم در معنا و مفهوم خانه ایجاد کرد. خانه برای ساکنانش مرکز جهان است و برای محله ای که در آن جای گرفته، شاخص ترین بنا در تحکیم مکان به شمار می رود (Moore, 2000: 151). راپاپورت (۱۳۸۲: ۸۵) خانه را در وهله اول نوعی نهاد می داند، نه سازه. از دید او این نهاد برای مقاصد بسیار پیچیده ای به وجود آمده است. به اعتقاد راپاپورت خانه بیش از آنکه ساختاری کالبدی باشد، نمادی است با عملکرد چند بعدی. از آنجا که ساخت خانه امری فرهنگی است، شکل و سازمان آن نیز متأثر از فرهنگی است که خانه محصول آن است. از گذشته های بسیار دور، خانه برای انسان چیزی بیش از سرپناه بوده و جنبه های معنوی و مذهبی در همه مراحل ساخت خانه تا استقرار در آن و استفاده از آن به طور کامل مشهود است. باشلار (Bachelard, 1994) می گوید: «آدمی پیش از افکنده شدن به جهان، در گهواره خانه نهاده شده است». به عقیده باشلار، خانه قبل از هر چیز فضا و مکانی درونی است. درونی بودن آن با بیرون آن، با کوچه و خیابان، طبیعت و جهان و سرانجام همه هستی ارتباط دارد و معنا و ارزش می یابد؛ آنچه فیلسوفان پیش از او از آن با تعبیر عالم کبیر یاد کرده اند. وی معتقد است مهم ترین ویژگی خانه این است که رؤیا را در خود می پروراند و محافظ رؤیاپرداز است. نوربرگ شولتز^۲ نظریه پردازی است که در این زمینه مطالعات گسترده ای داشته و کتاب مفهوم سکونت را منتشر کرده است. به نظر وی خانه گوشه ای است که ما پس از تجربه ابعاد مختلف جهان مشاع پیرامون به آن باز می گردیم؛ یعنی جایی که جهان دیگر در بی واسطگی خود ظاهر می شود. در این مرکز است که مفاهیمی مانند دنجی،

1. corbasier

2. Schulz norberg

امکان دخل و تصرف، امکان مشارکت و خاطره‌انگیزی در بیشترین حد خود مفهوم می‌یابد. خانه با مطرح شدن به‌عنوان پیکره‌ای معمارانه در محیط، هویت ما را محرز کرده و امنیت را بر ما ارزانی می‌دارد. سرانجام «هنگام پای نهادن به خانه به آسایش» دست می‌یابیم. در خانه، آشنایی با جهان بی‌واسطه صورت می‌گیرد. آن‌جا نیازی به گزینش مسیر و جست و جوی هدف نیست. جهان در خانه و پیرامون آن به سادگی ارزانی گردیده است. می‌توان گفت، خانه مکانی است که وقوع زندگی روزمره را در خود گرفته است. او همچنین می‌نویسد: «خانه تنها به پدیدآوری کیفیت‌های جوی محیط بسنده نکرده است و می‌باید خلق و خوی آن فعالیت‌هایی را نیز که در درونش جریان می‌یابد، آشکار سازد» (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۷: ۲۲). پلاسا (۱۳۸۹: ۸۶) خانه را بنایی معرفی می‌کند که در روند مطابقت با ساکنانش به خانه مبدل شده است. او خانه را گستره و مجموعه‌ای از شرایطی تعریف می‌کند که خاطرات، تصاویر، آرزوها، وحشت‌ها، گذشته و حال را یک‌جا سامان می‌دهد. او همچنین پدیدار شدن خانه را به گذر زمان و زندگی ساکنانش مرتبط می‌داند؛ خانه‌ای که ضرب آهنگ زندگی شخصی ساکنانش ماهیت آن را شکل می‌دهد. آسایش خانواده و فراهم آمدن امکان ارتباط مناسب اعضای آن با یکدیگر و حتی با سایر نزدیکان، نیازمند خلوت در مسکن است. ایجاد تعادل میان خلوت و تعامل اجتماعی، امری ضروری است که با کمک عناصر کالبدی و در بستر فردی و اجتماعی هر جامعه‌ای و مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی آن در خانه میسر می‌شود (پوردهیمی، ۱۳۸۲: ۵۳). تالار در خانه، فضایی برای پذیرایی از میهمانان محترم و مخصوص است. این عنصر عموماً فضایی با تزیینات بسیار زیبا و پرکار است که در کنار اتاق‌های ساده قرار داشت. تالار با گچ‌بری، آئینه‌کاری، نقاشی روی گچ، مقرنس و با نقاشی روی چوب تزیین می‌شد. جبهه رو به حیاط تالار با ارسی‌های پنج دری یا هفت دری به حیاط خانه مربوط می‌شدند. نشیمن، اتاقی که از تالار اهمیت کم‌تری داشت و از اتاق‌های ساده مهم‌تر بود. نشیمن، محل تجمع افراد خانواده و میهمان‌های بسیار نزدیک به حساب می‌آمد. این عناصر از نظر تزیینات بسیار ساده بودند (کاتب، ۱۳۸۴: ۱۲۶).

بافت شناسی خانه‌های مشهد

واحدهای مسکونی در بافت سنتی شهر مشهد تحت تأثیر موقعیت شهر در کوه‌های بینالود و هزار مسجد بوده و لزوم مقابله با جریان باد غالب و استفاده بیشتر از نور خورشید در زمستان‌های سرد منطقه در آن‌ها مشهود است. مسکن سنتی در مشهد، به علت دسترسی آسان به چوب، اغلب دارای سقف مسطح و چوبی است. شکل‌گیری سایر عناصر و فضاهای شکل‌دهنده مسکن سنتی نیز مانند بافت سنتی تحت تأثیر عوامل مختلف، تدریجی بوده است. مهم‌ترین عنصر خانه سنتی مشهد، حیاط است. حوض و باغچه مهم‌ترین عناصر حیاط هستند. لزوم تداوم فضایی اتاق‌ها، امکان ارتباط متقابل آن‌ها با هدف عدم استفاده از حیاط در مواقع گرم و سرد سال به نوعی مانع تثبیت نقش کاربردی خاص و طرح فضاهای مستقل برای خانه می‌شده است (ناصری، ۱۳۹۲). مشهد شهری است با محله‌های تاریخی که روزگاری بسیاری از خانه‌های ارزشمند را در خود جای داده بود؛ اما به دلیل تغییر شیوه زندگی، طرح‌های توسعه، مهاجرت و تغییرهای اقتصادی بخش وسیعی از بافت ارزشمند شهر در طی زمان دچار تغییر شده است. صرف نظر از جنبه‌های مثبت و منفی این دگرگونی‌ها، لزوم معرفی و بازشناسی خانه‌های مشهد به‌عنوان یک شهر تاریخی، امری ضروری و مسجل است. با تخریب و نوسازی گسترده بافت شهری در طی دهه‌های اخیر، بسیاری از خانه‌ها و بناهای تاریخی تخریب و در معرض پاکسازی قرار گرفته و فقط تعداد کمی از آن‌ها تاکنون برجای مانده‌اند. اغلب خانه‌های تاریخی وسعت و تعدد فضای خانه‌های نواحی گرم و خشک را نداشته و از تزیینات کم‌تر و ساده‌تری بهره می‌برده‌اند. شکل‌گیری قالب، نقشه و جهت‌گیری در خانه‌های بومی و سنتی به شدت تحت تأثیر عوامل طبیعی است. در عین حال، تأثیر عوامل دیگر از جمله فرهنگ و اقتصاد را نمی‌توان نادیده انگاشت؛ لذا الگوی معماری خانه‌ها در اغلب بافت‌های تاریخی، متأثر از نظام‌های طبیعی انسانی هستند. مطالعات بیانگر تخریب بسیاری از خانه‌های تاریخی مشهد در نتیجه طرح‌های توسعه، بویژه در محدوده حرم مطهر بوده است. و بناهای باقی‌مانده، بیشتر متعلق به اقشار مرفه و طبقه متوسط شهر است (فرحبخش، حناچی و غنائی، ۱۳۹۵: ۱۱۳).

معنی و مفهوم خانه

واژه خانه به معنی جایی است که در آن آدمی سکنی می‌کند (دهخدا، ۱۳۳۰، ذیل: خانه). در زبان پهلوی این کلمه به صورت خانک یا خانگ /xānag/ به کار می‌رفته و در زبان قدیم فارسی به شکل âhana به معنای جا و محل بوده است (براتی، ۱۳۸۲: ۲۷). معادل انگلیسی این واژه، یعنی house به معنی خانقاه، منزل، مسکن، جا، برج، نشیمن، خانه، سرای، اهل خانه، جایگاه، محل سکنی، منزلگاه است. در زبان انگلیسی home نیز به معنی موطن، خانه، شهر، اقامتگاه، میهن (کراولی و دیگران، ۱۳۸۴).

خانه جایی است که ساکنان آن احساس ناراحتی نکنند. اندرون خانه یا جایی که زن‌ها و بچه‌ها زندگی می‌کنند، می‌بایست تنوع زیادی داشته باشد تا در آن خستگی احساس نشود. کلمه‌ی خانه در گذشته به معنی اتاق بوده است. در استان خراسان، بویژه مشهد و جنوب این استان، هنوز هم واژه خانه را گاهی در معنی گذشته‌اش، یعنی اتاق، به کار می‌برند (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۱۱۷). علاوه بر احساس آرامش عوامل دیگری نیز در شکل‌گیری یک خانه مؤثر است. خانه "حریمی فرهنگی" است که ما را از دیگری جدا می‌کند و در عین حال زندگی و همزیستی ما با دیگران را ممکن می‌کند. در فرهنگ ایرانی خانه محلی برای تجلی بخشیدن به ارزش‌های سنتی دینی و حفظ خانواده است (فاضلی، ۱۳۸۷: ۴۲). خانه از دیدگاه جامعه‌شناسانه نهاد، از دیدگاه مهندسی و معماری بنا یا ساختمان، از دیدگاه اقتصادی نوعی کالا، از دیدگاه هنری فضا و از دیدگاه انسان‌شناختی نوعی فرهنگ است (همان: ۲۷) که تمام ابعاد مذکور را دارد. از آنجا که احداث پدیده‌ای فرهنگی است، شکل و سازمان فضایی آن به شدت تحت تأثیر فرهنگی است که به آن بستگی دارد. حتی در آن زمان نیز که خانه برای بشر اولیه فقط سرپناه بود. مفهوم عملکرد، تنها در فایده صرف یا عملکرد محض خلاصه نمی‌شود. خانه در فرهنگ غربی، جایی است برای محافظت در برابر تهدید؛ یک قفس امن است، قفس قانون پناهگاهی است برای محافظت از تهدیدهایی که در بیرون از خانه وجود دارد. در خانه ایرانی، تهدیدی متوجه فرد نیست. خانه در فرهنگ ایرانی یک جهان کامل است و حیاط مهم‌ترین جای خانه است؛ همه خود را در حیاط و میزان مالکیت تعریف و

توصیف می کنند. از این رو سه دری، پنج دری و شاه نشین معنا می یابد (بهشتی، ۱۳۸۶: ۱۲۸).

با توجه به تعاریف بیان شده، چند ویژگی کلی از خانه می توان انتظار داشت: ساکنان باید در خانه احساس آرامش کنند و احساس خستگی در آن وجود نداشته باشد. خانه پوششی است که روابط داخل و محیط خارجی افراد را کنترل می کند. خانه محیطی است برای پوشاندن فرد از محیط خارج. خانه مرکز جهان است برای ساکنانش. خانه برای محله اش شاخص ترین بنا در تحکیم مکان است (قبادیان، چایی ساز، ۱۳۹۴: ۴).

معنی و مفهوم مهمان نوازی

معنی مهمان نوازی در فرهنگ فارسی عمید خوب پذیرایی کردن از مهمان است. در دانشنامه ویکی - پدیا مهمان نوازی رابطه ای میان میزبان و مهمان است و به عملکرد میزبان در قبال مهمان تفسیر می شود. در فرهنگ معین مهمان نوازی، تلاش میزبان برای تأمین راحتی مهمان معنی شده است. مهمان نوازی از نظر لغوی به معنای ابراز لطف عملی، تفقد و پذیرایی از مهمان است (ولیزاده اوغانی و ولیزاده اوغانی، ۱۳۹۱: ۱۰۸). یکی از آداب و رسوم اجتماعی، مهمان نوازی و مهمان داری است که لازمه زندگی جمعی انسان است. ایرانی در فرهنگ خود آداب بسیاری درباره ی مهمان و چگونگی پذیرایی از او دارد. این امر سابقه بسیار طولانی دارد (خلعتبری لیماکی، ۱۳۸۸: ۵). این فرهنگ ریشه دیرینه ای در میان مردم ایران دارد و در اشعار شاعران بنام بسیار مطرح شده است.

مهمان نوازی از منظر فرهنگ ایرانی

مهمان نوازی ریشه ای بسیار کهن در فرهنگ ایرانی دارد. از دل این فرهنگ است که دو واژه ی "مهمانسرا" و "مهمانخانه" به وجود آمده است. مهمان نوازی دارای آداب و رفتارهای خاصی است (خلعتبری لیماکی، ۱۳۸۸: ۳۱). در مناطق مختلف ایران آداب مخصوصی بسته به قوم، سنت، مذهب، رفتار و غیره بر مهمان نوازی وجود دارد. مهمان نوازی و پذیرایی خوب و شایسته از مهمانان یکی از خصایل نیکو و ارزشمند دین

اسلام شمرده می‌شود. اسلام پیروانش را به مهمانی دادن دعوت کرده و پادشاهای بزرگ و ارزنده‌ای برای مهمان‌نوازی تعیین کرده است. پیامبر اکرم (ص) ورود مهمان به خانه را هدیه‌ای الهی می‌دانست (اترک، ۱۳۹۱: ۸۶). در برخی خانواده‌ها دیده شده و رسم است که برخی ظروف، رختخواب و غیره را تنها برای مهمان نگه می‌دارند و می‌گویند: «فلان وسیله برای مهمان است». مهمان‌خانه همیشه در بهترین موقعیت خانه قرار داشته است؛ مانند: اتاق‌های پنج دری، سه دری، تالار و اروسی. این فضاها نسبت به بقیه‌ی فضاهای خانه تزئینات بیشتری داشته و تمام وسایلی که استفاده می‌شده، از بهترین و مرغوب‌ترین وسایل نیز بوده است؛ مانند بهترین فرش، ظروف چینی، تشکچه‌ها، مخده‌ها. در دهه‌های اخیر مبیل و لوستر هم افزوده شده است (خلعتبری لیماکی، ۱۳۸۸: ۳۲). در فرهنگ ایرانی و اعتقادات مردم باورهای بسیاری در باب خوش قدمی مهمان وجود دارد.

خانه ایرانی از منظر مهمان‌نوازی

خانه‌های ایرانی دارای ویژگی‌های خاص و متناسب با فرهنگ مردم بوده است. به طور مختصر چند ویژگی کلی خانه‌های ایرانی در زمینه مهمان‌نوازی را که متأثر از عواملی چون فرهنگ، دین و سنت‌های مردم ایران بوده است، معرفی می‌کنیم. با توجه به مطالعات انجام شده در خانه‌های گذشته ایرانی فضاها به دو دسته اندرونی و بیرونی تقسیم می‌شده است. این فضاها پاسخگوی نیازهای فرهنگی، مذهبی و مانند آن بوده است. قسمت بیرونی خانه مختص به مهمان و افراد بیگانه‌ای بوده است که وارد خانه می‌شدند. در خانه‌های امروزی فضاهای عمومی و خصوصی -یا شب و روز- وجود دارد که برگرفته از مبانی نظری علوم غربی نیز هستند (محمدزاده نیلق و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۳). این فضاها مشابه اندرونی و بیرونی در خانه‌های ایرانی بوده است. فضاهای مربوط به مهمان‌پذیری در قسمت بیرونی خانه قرار داشته است؛ شامل فضاهایی مانند ساباط، سردر، پاخوره، هشتی و دالان. ساباط در فرهنگ لغت به معنای دالان، راهروی سرپوشیده و مسقفی است که راه ورود به خانه زیر آن است (عمید، ۱۳۳۵، ذیل "ساباط"). هدف از طراحی و اجرای ساباط این است که انسان گرم‌زده را دمی در زیر سایه خود، از

تابش خورشید در امان نگه دارد. سردر: که استقبال یا بدرقه مهمان در محدوده فضای ورودی آن اتفاق می افتاد (برزگر، ۱۳۸۶). سکوه‌های مقابل در - که پاخوره - نام داشتند، برای نشستن مهمانانی بود که وارد خانه نمی شدند (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۱۵۹). قسمت بیرون هشتی خانه، فضای سرپوشیده‌ای متصل به کوچه و حیاط خانه بود. مهم‌ترین کارکرد هشتی، تقسیم مسیر ورودی به دو یا چند جهت و حفظ قسمتی از حریم خانه است (نیک‌بخت و سیدصدر، ۱۳۸۱: ۵۸۹). حیاط بیرونی و اندرونی به گونه‌ای ساخته می شد که ارتباط حیاط بیرونی با مسیر شاه کوچه، بازار یا خیابان فراهم شود و قسمت اندرونی از کوچه فرعی راهی جداگانه داشته باشد. در قسمت بیرونی، افراد و اقوام نامحرم که شامل مهمانان هم می شد زندگی می کردند. اهل حرم بدون ارتباط با آنها می توانستند از در دیگری از حیاط خارج شوند (زمرشیدی، ۱۳۹۰: ۲). پذیرایی، تالار، اتاق مهمان و غیره از مواردی است که در فرهنگ ایرانی و غربی قابل تطبیق است. معماری خانه با فرهنگ ایرانی را می توان در اهمیت معماری اتاق پذیرایی مشاهده کرد؛ زیرا بهترین فضای خانه و زیباترین جای آن به این اتاق اختصاص یافته است. در بعضی خانه‌ها، که توانایی مالی صاحب‌خانه کم بوده است، بالا خانه‌ای به نام فرّوار به عنوان اتاق مهمان، روی سر در کوچه می ساختند (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۶۱). در هر خانه، هر چند کوچک، یک مهمان خانه و اتاقی برای مهمان وجود داشته است (معماریان، ۱۳۸۹: ۱۴۶).

شناخت مهمان و فرهنگ مهمان نوازی در مشهد

مهمان در فرهنگ عامه ایران دارای مراتب و انواع مختلفی است؛ به طور مثال در گذشته مردم برای هر مهمان نامی نهاده بودند: مهمان شب‌خواب، مهمان مسافر، مهمان خواننده، مهمان ناخوانده، مهمان خودمانی، مهمان غریبه، مهمان شهری، مهمان روستایی، مهمان شب نشین و مانند آن. به دلیل ذات لایه لایه و سلسله مراتبی روابط اجتماعی، فضای خانه سطوح مختلفی از حقوق را در اختیار افراد مختلف می گذاشته است. برخی تنها اجازه نزدیک شدن به خانه و برقراری ارتباطی سطحی، سریع نسبتاً رسمی و غالباً کارکردی را پیدا می کردند؛ به این معنا که روابط از نوع به اصطلاح "دم‌دردی" بود. برخی دیگر به داخل فراخوانده می شوند که همین گروه نیز حقوق

متفاوتی نسبت به فضای شخصی دارند. این حق می‌تواند از ساده‌ترین لایه‌ها، -دیدن لوازم، تزیینات و چیدمان خانه- تا پیچیده‌ترین‌شان، -گشت‌زدن در فضاها، استفاده آزادانه از آن‌ها و حتی تغییرشان- را شامل شود (غزنویان، ۱۳۹۶: ۱۳۱).

به دلیل وجود حرم متبرک امام رضا (ع) بیشتر مهمانانی که مسافر مشهد بوده‌اند، به قصد زیارت بارگاه امام می‌آمدند. مسافران اگر بستگانی در شهر مشهد داشتند، بسیار مورد لطف و اکرام قرار می‌گرفتند و هر شب یا هر وعده در خانه‌ی یکی از بستگان با احترام و عزت مهمان می‌شدند. مردم مشهد که برای زیارت به حرم امام می‌رفتند، با مشاهده زواری که مکانی برای سکونت ندارد، بسیار صمیمی و گرم رفتار می‌کردند و آنها را به منزل خود دعوت می‌کردند و با بهترین امکاناتی که در دسترس آن‌ها بود، از مهمان‌ها پذیرایی می‌کردند و آن‌ها را مهمان حضرت می‌دانستند و بسیار به ایشان احترام می‌گذاشتند. در مهمانی‌های مشهد غالباً پلو را با زعفران و زرشک تزیین می‌کردند. در گذشته رسم بود که میزبان پیش و پس از صرف غذا، آفتابه و لگن برای مهمان آماده می‌کرد تا مهمان دستش را بشوید. تقریباً در بیشتر نقاط ایران رسم بوده و هست که پس از صرف غذا مهمان برای صاحب سفره یا میزبان دست به دعا بر می‌دارد (خلعتبری لیمایی، ۱۳۸۸: ۴۴).





بررسی مهمان‌نوازی در خانه‌های دوران پهلوی در مشهد

در خانه‌های دوره‌ی پهلوی اول با تأثیرپذیری از فرهنگ معماری جدید، پلان‌ها برون‌گرا شده و فضاهای خانه از پیچیدگی و تنوع دوره‌های پیش تهی گردید. تناسب‌های مربع و مستطیل جای فضای سه دری و پنج‌دری گذشته را گرفت، تقارن و سادگی در نما و پلان، کاهش سطح اعیانی نسبت به قبل، محدودیت مساحت زمین‌ها که ناشی از طرح‌های توسعه بود، تغییر شیوه‌ی زیست نسل جدید همراه با کاهش ضخامت جداره‌ها، به حداقل رسیدن تزیینات در بدنه‌های داخلی و بیرونی همراه با استقرار بنادر ترازوی نزدیکتر به سطح معابر و استقرار توده‌ی حجمی بنادر یک جبهه را می‌توان از ویژگی‌های این دوره برشمرد (فرحبخش، حناچی و غنائی، ۱۳۹۵: ۱۱۵).

با توجه به مطالعات پژوهشگران درباره‌ی خانه‌های پهلوی به طور کلی و اغلب فراگیر

شاهد این هستیم که در دوره پهلوی با توجه به تک خانوار زندگی کردن افراد در خانه، بزرگ تر بودن مساحت خانه و پررنگ بودن فرهنگ های خاص باعث شده بود خانه شکل و کارکردی متفاوت داشته باشد. پله و راهرو اهمیت ویژه ای داشته و سعی بر این بوده است که دسترسی های متعدد به خانه داشته باشند و برای مهمان فضایی جدا جهت اقامت موقت یا بلند مدت- در نظر گرفته می شده است. فضاهای خانه شامل آشپزخانه (اغلب در طبقه پایین)، مهمان خانه یا فضای پذیرایی، راهروهایی که بیشتر جنبه ی ارتباط و جداسازی فضاهای عمومی و خصوصی را داشته، اتاق هایی که به صورت خصوصی تر و خانوادگی مورد استفاده قرار می گرفت، حمام و سرویس بهداشتی (عموماً در طبقه پایین و داخل حیاط) بوده و در هر خانه اتاق کوچکی برای نگهداری وسایل خواب، مواد غذایی اضافی، لباس و غیره وجود داشته است. در جدول ۱ به بررسی چند خانه در دوران پهلوی با نگاه مهمان پذیری می پردازیم -در تصاویر دو پلان، پلان راست طبقه اول و چپ زیرزمین- است. با توجه به تخریب و غیرقابل سکونت بودن خانه های دوران پهلوی و از طرفی نبود نقشه و اطلاعات کافی از خانه های آن دوران، اولویت انتخاب خانه، دسترسی به آن، برداشت نقشه و مصاحبه با افراد خانه بوده است.

جدول (۱) بررسی نمونه هایی از خانه های دوران پهلوی

نام بنا	خانه شریف	خانه فیروزی	خانه مرادی	خانه شوکتی
مشخصات بنا	بنا متعلق به دوران پهلوی مساحت کل سایت تقریباً ۸۰۰ متر و مساحت بنا حدوداً ۲۰۰ متر است.	بنا متعلق به اواخر دوران پهلوی، سایت تقریباً دارای مساحت ۲۰۰ متر و حدوداً ۱۲۰ متر بنا است.	مساحت بنا ۱۸۵ متر است و بنا حدوداً ۸۰ متر را به خود اختصاص داده است.	بنا متعلق به اواخر دوران پهلوی سایت تقریباً دارای، مساحت ۲۰۰ متر و حدوداً ۱۲۰ متر بنا است.
توده و فضا				

				<p>دسترسی به سایت</p>
				<p>عرصه عمومی</p>
				<p>عرصه خصوصی</p>
				<p>حوزه ورود مهمان</p>
				<p>قلمرو مهمان</p>

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷)

برای خدمات رساندن بهتر به مهمانان اتاق‌های مخصوص مهمان، همجوار یکدیگر بوده

درهایی به صورت سراسری بینشان قرار داشته است که با باز شدن آن فضای بیشتری را برای پذیرایی مهیا می کرد. هنگامی که نیاز به تفکیک جنسیت بود، با بستن این دربها به راحتی موقعیت کنترل می شده است. در ابتدا و انتهای اتاق درهایی به راهرو وجود دارد که رفت و آمد و سرویس دهی به مهمان را تسهیل می کند. اعضای این خانه ها هنگام حضور مهمان با توجه به حفظ قلمروها احساس راحتی می کردند. محرمیت، دسترسی و قلمرو که رکن های اصلی مهمان پذیری است در جدول ۲ بررسی می شود.

جدول ۲) نتیجه گیری بررسی خانه های دوران پهلوی

مهمان پذیری خانه های عصر پهلوی	محرمیت	دسترسی	قلمرو
ورودی	ورودی هایی به فضاهای خصوصی برای استفاده میزبان	ورودی های متعدد به داخل خانه	تفکیک پذیری قلمرو مهمان و میزبان
حیات	وجود فضای سبز	دسترسی از فضاهای مختلف خانه	ایجاد حوزه های خصوصی تر با کاشت درخت و ایجاد فضای سبز
مهمان خانه	اتاق مخصوص در طبقه دیگر	دسترسی راحت مهمان و میزبان	قرارگیری در قلمرو عمومی خانه
بخش خصوصی	دسترسی محدود بیگانه	دسترسی راحت اعضا خانه	جدا بودن از قلمرو عمومی
آشپزخانه	بسته بودن اطراف به وسیله دیوار	دسترسی جدا از حیات	قرارگیری در قلمرو خصوصی اعضا

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷)

مهمان نوازی دشوار امروزی

در شرایط کنونی با کوچک شدن فضاهای مسکونی و افزایش قیمت ها، شاهد ادغام فضاها و در نتیجه حذف برخی از آنها هستیم که "مهمان خانه" یا "پذیرایی" از جمله ی آنهاست. این فضا در بسیاری از آپارتمان های امروزی با فضای نشیمن، ترکیب شده یا در بسیاری از موارد، دیواره بین آنها از بین رفته است. در نتیجه شاهد نوعی به هم ریختگی

حریم‌ها هستیم که در جهان‌شناختی و ذهن، احساس مطلوبی را برای ساکنان به همراه نمی‌آورد. خصوصاً آنکه در کنار مفهوم "آبروداری" قرار گیرد. به نظر می‌رسد پذیرایی مجزا و مستقل هنوز آرزوی بسیاری از زنان ایرانی است. آن‌ها زوال این فضا را از مشکلات اصلی خانه‌های خود می‌دانند که در عمل فرایند "مهمان‌نوازی" را مختل کرده است. برخی تأکید دارند آمدن مهمان، کم‌تر از گذشته برایشان تجربه‌ای دلپذیر است؛ چرا که عموماً با تشویش و تنش همراه است. به همین دلیل، برخی ساکنان خانه‌های جدید از "مهمان‌گریز" شدن خود صحبت می‌کنند (غزنویان، ۱۳۹۶: ۱۴۱). خانه‌های امروزی در بهترین حالت، نیازهای شخصی و خانوادگی افراد را تأمین می‌کنند و نسبت به حضور دیگری در درون خود، ضرورت‌ها و باید و نبایدهایش عموماً بی‌توجه است. همین محدودیت‌های فضا، منشأ حالات روانی و احساسی خاصی است که در پژوهش ما تحت عنوان مهمان‌گریزی، مهمان‌ترسی و مهمان‌زدگی از آن‌ها یاد می‌شد. در مصاحبه با افرادی که در خانه‌های امروزی زندگی می‌کنند این مسأله مشهود است که میزبان مدام تشویش این را دارد که مهمان او را زیر نظر دارد و دیده می‌شود. آشپزخانه باز و یکی شدن مهمان‌خانه با نشیمن مهم‌ترین دلایل مهمان‌گریزی است.

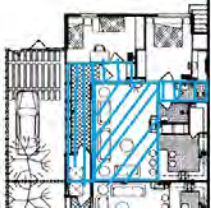
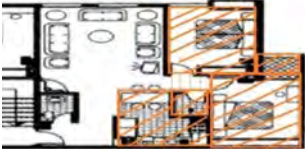
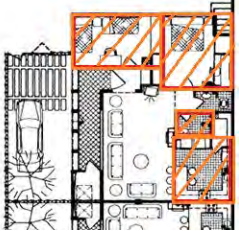
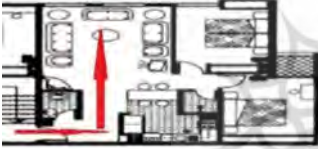
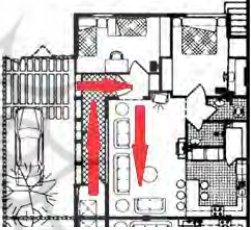

همان‌طور که در ابتدا بیان شد، در جامعه امروزی، فرد محوری بیداد می‌کند و افراد خانواده بیشتر وقت خود را بیرون از خانه سپری می‌کنند و فقط شب برای خواب و استراحت به خانه می‌آیند. متأسفانه مهمانی‌های امروز هم به خارج از خانه منتقل شده و در فضاهایی مانند رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌ها برگزار می‌شود. این امر باعث می‌شود صمیمیت، راحتی مهمان، میزان روابط و گفت‌وگوهای افراد محدود و مدت زمان مهمانی بسیار کوتاه شود. یک خانواده گسترده اگر یکدیگر را در یک رستوران ملاقات کنند، مشکلاتی برای نشستن، گفت‌وگوی صمیمی و غیره خواهند داشت و ملزم هستند سکوت را رعایت کنند. با دیرتر آمدن یکی از مهمانان همه باید انتظار آمدن او را بکشند و در مدت کوتاهی خداحافظی کنند و به خانه بازگردند. حضور افراد در یک فضای عمومی مانند رستوران تنش‌زا و مستلزم محدودیت‌های رفتاری است. مهمان‌نوازی فقط شامل اطعام نمی‌شود، بلکه روابط و رفتارهای خاص خود را می‌خواهد. با توجه به مسائل گفته شده مقایسه تطبیقی تحلیل مبانی نظری مهمان‌نوازی در مجتمع مسکونی

آرْمِس را بررسی می کنیم. در جدول ۳ به بررسی دو پلان از یک قطعه موجود مجتمع مسکونس آرْمِس می پردازیم.

با توجه به پیشرفت و تغییرهای جامعه خانه و مهمان نوازی و دایره خواسته ها تغییر کرده است. امروزه در مشهد مهمان مسافر بسیار نادر و سبک و سیاق مهمانی ها با دوران پهلوی متفاوت است. فضاهایی که امروزه در خانه ها تعبیه می شود، شامل آشپزخانه باز، پذیرایی و نشیمن است که در یکدیگر ادغام شده اند؛ بعلاوه اتاق هایی که فقط برای خوابیدن در نظر گرفته شده اند و سرویس های بهداشتی که اغلب در جای خالی خانه بدون بررسی و تحلیل قرار گرفته اند.

جدول ۳) بررسی واحدهایی از مجتمع مسکونی آرْمِس

مجتمع مسکونی آرْمِس		نام
در سال ۱۳۸۱ احداث در منطقه الهیهی مشهد واقع شده و دارای چهار فاز است. دیدگاه کلی در طراحی این مجموعه اختصاص فضای باز خصوصی به واحدهای آپارتمانی بوده است. مساحت زمین: ۲۵۸۰۰ متر، تعداد واحدها: ۱۲۰۰ عدد، زیربنای کل: ۶۲۰۰۰ متر و درصد اشغال: ۴۵٪ تا ۵۰٪ است.		مشخصات بنا
		توده و فضا
پلان تیپ دو	پلان تیپ یک	دسترسی
		

		<p>عرصه عمومی</p>
		<p>عرصه خصوصی</p>
		<p>حوزه ورود مهمان</p>
		<p>قلمرو مهمان</p>

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷)

گسیختگی عرصه (عمومی - خصوصی) خانه‌های امروزی با نگاه مهمان‌پذیری ساکنان این مجتمع‌ها بیان می‌کنند که آمادگی و امکانات لازم برای مهمان‌نوازی را ندارند. برخی از مشکلاتی که بیشتر مورد نظر ساکنان مجتمع‌های مسکونی است عبارت‌اند از: حضور مهمان در حوزه‌ی خصوصی خانه، در معرض دید بودن یا زیر نظر بودن، احساس راحتی نکردن در اتاق‌های خصوصی وقتی مهمان در خانه حضور دارد،

مشترک بودن فضای نشیمن و پذیرایی این ساکنان خانه ها را فقط مختص استفاده شخصی و اعضای خانواده می دانند. از نظر آنان فقط در حد رفع نیاز به سرپناه است و نیازهای دیگر انسان را پاسخگو نیست. اگر مهمانی سرزده به خانه بیاید، اعضای خانواده فرصت آماده کردن فضایی را برای پذیرایی از مهمان ندارند. از بین رفتن دیوارهای جداکننده بلند آشپزخانه، جایگزین شدن آشپزخانه باز و جزیره- باعث شده خانم خانه در هنگام آماده کردن تدارکات مهمان به صورت کامل راحت نباشد و نگران این باشد که مهمان او را ببیند. در مقابل، مهمان هم به دلیل دیدن زحمتهای میزبان شرمند می شود. این تنش ها با میزان صمیمیت مهمان متغیر است. گاهاً مهمانی که نامحرم باشد و با اهل خانه زیاد راحت نباشد و -اصطلاحاً تعارف داشته باشد-، مدت زمان کمتری در مهمانی می ماند و بیشتر احساس خجالت زدگی و شرمندگی می کند. در جدول ۴ به بررسی ارکان مهمان پذیری در مجتمع مسکونی آرمس می پردازیم.

جدول ۴) بررسی واحدهایی از مجتمع مسکونی آرمس

مهمان پذیری مجتمع آرمس	محرمیت	دسترسی	عرصه بندی و قلمرو
ورودی	باز شدن ورودی خانه در قلب خانه	دسترسی سریع و راحت برای عموم	قرارگرفتن در عرصه خصوصی
حیاط	عمومی بودن حیاط	محل گذر ساکنین کل مجتمع	عمومی بودن برای تمام ساکنین مجتمع
مهمان خانه (عدم وجود مهمان خانه وجود پذیرایی و نشیمن)	نبودن مکان مشخص و ادغام با نشیمن خصوصی	با گذر یا دید به عرصه خصوصی	قرارگیری در قلمرو خصوصی خانه
اتاق خصوصی	مسلط بودن عرصه عمومی بر فضا	نفوذپذیری راحت مهمان	قرارگیری در عرصه عمومی و محل رفت و آمد
آشپزخانه	اشراف کامل فضای عمومی	نفوذپذیری راحت و دید کامل مهمان	قرارگیری در قلمرو خصوصی اعضا

تحلیل یافته‌ها

برای پاسخگویی به نیازهای فرهنگی که شامل روابط دو طرفه نیز می‌شود، مهمان و میزبان باید مورد توجه قرار گیرند. رعایت جداسازی یا پالایه (فیلتر) برای خصوصی‌سازی، جداسازی و کاهش اشرافیت فضاها به یکدیگر بسیار می‌تواند تأثیرگذار باشد. با پارتیشن‌های یا دیوارهای موقت امکان، جداسازی فضاها فراهم می‌گردد. این دیوارها قابلیت جابجایی آسان و سریع دارد و هنگام حضور مهمان، جداسازی عرصه‌ها را به سرعت انجام می‌دهند. جداکننده‌های ورودی خانه با بستن دید و نفوذ بصری به داخل، باعث می‌شود مهمان هنگام ورود به سرعت وارد فضای خانه نشود و اگر مهمان اصطلاحاً دم‌دردی باشد اشرافیتی به عرصه خصوصی نمی‌یابد. همین امر برای آشپزخانه‌های باز، در زمان پذیرایی از مهمان بسیار راهگشا است. جداکننده‌ها در خانه‌های امروزی می‌توانند نقش درهایی را که بین مهمان‌خانه وجود داشته بازی کنند و با نقشی پرنرنگ‌تر قلمرو مهمان و میزبان را تعریف کنند. هرچه مهمان و میزبان امکان آسایش بیشتری در فضا داشته باشند، گذر زمان برایشان ناملموس‌تر است و احساس لذت، باعث به آرامش رسیدن آن‌ها می‌گردد. این احساس رضایتمندی موجب زنده شدن دوباره مهمان‌نوازی در خانه می‌شود.

نتیجه‌گیری

در نمونه خانه‌های مورد مطالعه‌ی دوران پهلوی اصل محرمیت، سلسله مراتب و قلمروپایی باعث تعریف صحیح روابط و الگوهای رفتاری، بویژه روابطی مانند مهمان‌داری و مهمان‌پذیری، شده است همچنین وجود شیوه زیست هماهنگ با این امر در گذشته بستر را برای انجام فعالیت‌های متناسب با مهمان‌پذیری مهیاتر از دنیای امروز کرده است. از سویی دیگر عامل مهم دیگری که نباید از آن غافل بود، انعطاف‌پذیری فراوان فضاهای مختلف خانه در شرایط زمانی مختلف به منظور پذیرش فعالیت‌های مختلف بوده است.

خانه‌های دوران معاصر شهر مشهد نسبت به خانه‌های دوران پهلوی، از نظر

مهمان‌پذیری و آداب مهمان‌نوازی، دست‌خوش تغییرات قابل توجهی گشته است؛ به نوعی که پذیرایی از مهمان مطابق آداب و فرهنگ ایرانی با مشکلات عمده‌ای مواجه است. البته تغییر سبک زندگی نیز در نحوه پذیرش مهمان تأثیر داشته است؛ اما هنوز این سنت حسنه میان مردم جایگاه ویژه‌ای دارد که متأسفانه معماری خانه‌ها را محدود کرده است. تفاوت در طبقه‌بندی شکل خانه‌ها گاهی تفاوت در عرصه‌های مهمان‌پذیری نیست؛ اما انعطاف‌پذیری فضای خانه و مبلمان و تفکیک‌پذیری حوزه‌های خصوصی و عمومی دو روشی است که در خانه‌های امروزی با توجه به شرایط زندگی می‌تواند خانه را برای پذیرایی مهمان تا حد چشمگیری مهیا کند.

مبلمان ساده، شامل -پشتی و کناره- و چیدمان وسایل در فضای خانه‌های دیروز مشهد، شرایط مساعدتری را برای حضور مهمان فراهم می‌کرده است؛ به نوعی که با استفاده از مبلمان داخلی و جداسازی عرصه‌ها یا عناصر معماری مناسب، مانند درهای چند لنگه، فضا را انعطاف‌پذیر می‌کرده است تا در شرایط متفاوت شب و روز و شرایط متفاوت پذیرایی -از نظر تعداد مهمان‌ها و جنسیت آنان- بتوان نهایت استفاده را از فضا نمود. نگارندگان با بهره‌گیری از اصل انعطاف‌پذیری است که به این نتیجه می‌رسند که با نگاهی کارآمدتر، جانمایی صحیح عناصر خانه، تفکیک پذیر بودن فضاها، توجه به محرmit و منعطف بودن هر حوزه، -استفاده از اصل انعطاف‌پذیری در طراحی- و در نهایت استفاده از مبلمان منعطف می‌توان خانه‌هایی داشت که مناسب مهمانی و پذیرایی از مهمان باشند و بر محدودیت‌هایی مانند مساحت کم و عدم محرmit، اختلاط ناهمگون کاربری‌ها و فعالیت‌ها غلبه نمایند.

منابع

- اترک، حسین (۱۳۹۱). "آداب مهمانی از منظر روایات اسلامی". نشریه معرفت/اخلاقی، سال سوم، ش ۴ (پاییز- زمستان): ۸۵-۱۰۲.
- ارژمند، محمود؛ خانی، سمیه (۱۳۹۱). "نقش خلوت در معماری خانه ایرانی". فصلنامه شهر ایرانی/اسلامی، سال دوم، ش ۷ (بهار): ۲۷-۳۸.
- باشلار، گاستون (۱۳۹۲). *بوطیقای فضا*، ترجمه: مریم کمالی، محمد شیربچه.

- تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- براتی، ناصر (۱۳۸۲). "بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی".
مجله خیال، دوره بیست و چهارم، ش ۸ (زمستان): ۲۴-۵۵.
- برزگر، ماریا (۱۳۸۶). "معماری ورودی در خانه‌های قدیم ساری". نشریه مسکن و
انقلاب، دوره سوم، ش ۱۲۰ (زمستان): ۲۲-۳۲.
- بهشتی، سیدمحمد (۱۳۸۶). "خانه و فرهنگ ایرانی". مجله آبادی، سال هفدهم،
ش ۵۵ (تابستان): ۱۲۰-۱۳۳.
- پلاسما، یوهانی (۱۳۸۹). هویت، حریم خصوصی و مأوا. ترجمه امیر امجد. تهران:
صنعت سینما.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۴). آشنایی با معماری اسلامی ایران. تهران: سروش دانش.
- پوردیهمی، شهرام (۱۳۸۲). شهر، مسکن و مجموعه ها. تهران: انتشارات آرمان شهر.
- خلعتبری لیمایی، مصطفی (۱۳۸۸). جایگاه مهمان و مهمان‌نوازی در فرهنگ مردم
ایران. تهران: طرح آینده.
- حجت، عیسی؛ مظفر، فرهنگ؛ سعادت، سیده پوراندخت (۱۳۹۷). "تبیین عوامل
مؤثر بر شکل‌گیری دلبستگی به خانه با بهره‌گیری از روش نظریه زمینه‌ای (مطالعه
موردی: واحدهای مسکونی شهر اصفهان)". مسکن و محیط روستا، دوره سی و
هفتم، ش ۱۶۴ (زمستان): ۸۵-۱۰۰.
- دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه، ج ۳. ذیل: "پدافند".
- راپاپورت، ایموس (۱۳۸۲). "خاستگاه‌های فرهنگی معماری". ترجمه صدف ال
رسول و افرا بانک. فصلنامه خیال، دوره سوم، ش ۸ (زمستان): ۵۶-۹۷.
- زمرشیدی، حسین (۱۳۹۰). "آموزه‌های معماری ایرانی و ساختمان‌سازی مسکونی
از دوره قاجار تا امروز". مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره اول، ش ۳ (بهار): ۱-۱۰.
- سیراد، ایرین و دیگران (۱۳۹۶). در خانه انسان‌شناسی فضای خانگی. ترجمه: زهرا
غزنویان، محسن صف‌شکن، الهام نظری، نازنین دلنواز و لیلا صادقی تبار. تهران:
پژوهشگاه فرهنگ و هنر.
- عمید، حسن (۱۳۶۷). فرهنگ فارسی عمید، ج ۱. ذیل: "خانه".

- غزنویان، زهرا (۱۳۹۶). *جهان خانگی ما*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- فاضلی، نعمت الله (۱۳۸۷). "مدرنیته و مسکن (رویکردی مردم‌نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)". *تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره اول، ش ۱ (بهار): ۲۵-۶۳.
- فردانش، فرزین؛ محمدحسینی، پریسا؛ حیدری، علی اکبر (۱۳۹۳). "تحلیل فرهنگی خانه سلماسی تبریز بر اساس نظریه ریپورت". *مطالعات معماری ایران*، دوره سوم، ش ۵ (بهار و تابستان): ۸۱-۹۹.
- فرحبخش، مرتضی؛ حناچی، پیروز؛ غنائی، معصومه (۱۳۹۵). "گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی بافت قدیم شهر مشهد از اوایل قاجار تا اواخر پهلوی اول". *مطالعات معماری ایران*، سال ششم، ش ۱۲ (پاییز و زمستان): ۹۷-۱۱۶.
- قبادیان، وحید؛ چایی‌ساز، الهام (۱۳۹۴). "واکاوی مفهوم مسکن در طراحی مجتمع مسکونی". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی معماری. همدان: مرمت شهرسازی و محیط زیست پایدار: ۶۷-۸۲.
- کاتب، فاطمه (۱۳۸۴). *معماری خانه‌های ایرانی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کراولی، آنجلا شبی؛ مایکل آکسفورد المنتری (۱۳۸۴). *فرهنگ انگلیسی آکسفورد*. ج ۱. ذیل: "Home".
- کوربوزیه، لو (۱۳۵۴). *چگونه به مسئله شهری بپردازیم؟*، ترجمه: م. کاتبی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- محمدزاده نیلق، میرزا کوچک و دیگران (۱۳۹۴). "بررسی سیر تحول الگوهای هویتی مسکن از قاجار تا به امروز (نمونه موردی: خانه‌های قاجاری مانند خانه امام‌جمعه و خانه نیم‌تاج و خانه‌های متداول امروزی)". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی معماری. همدان: مرمت شهرسازی و محیط زیست پایدار: ۲۸-۴۰.
- مسائلی، صدیقه (۱۳۸۸). "نقشه پنهان به مثابه دست‌آورد باورهای دینی در مسکن سنتی کویری ایران". *هنرهای زیبا*، دوره هفتم، ش ۳۷ (بهار): ۲۷-۳۸.

- معماریان، غلامحسین و دیگران (۱۳۸۹). «تأثیر فرهنگ دینی بر شکل‌گیری خانه، مقایسه تطبیقی خانه در محله مسلمانان، زرتشتیان و یهودیان کرمان». *تحقیقات فرهنگی*، دوره سوم، ش ۲ (تابستان): ۱-۲۵.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۸۹). *سیری در مبانی نظری معماری*. تهران: سروش دانش.
- ناصری، معصومه (۱۳۹۲). "نقش فرهنگ بر معماری بومی مسکن مشهد". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش ملی معماری شهرسازی و توسعه‌ی پایدار با محوریت معماری بومی تا شهر پایدار، مشهد: مؤسسه آموزش عالی خاوران.
- معین، محمد. فرهنگ فارسی، ج ۴. ذیل: "خانه".
- نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۷). *مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی*. ترجمه محمود امیریار احمدی. تهران: نشر آگه.
- نیک‌بخت، محسن؛ سیدصدر، سیدابوالقاسم (۱۳۸۱). *دایرةالمعارف معماری و شهرسازی*. تهران: آزاده.
- ولی‌زاده‌اوغانی، محمدباقر؛ ولیزاده‌اوغانی، اکبر (۱۳۹۱). "تکریم مهمان و جلوه آن در ساختار فضایی خانه‌های سنتی ایران". *نشریه معرفت/اخلاقی*، سال سوم، ش ۱۲ (پاییز و زمستان): ۱۰۳-۱۱۵.
- یاراحمدی، محمود امیر (۱۳۷۸). *به سوی شهرسازی انسان‌گرا*. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- Bachelard, Gaston (1994). "The Poetics of Space: The Classic Look at How We Experience Intimate Places", translated from French by Maria Jolas. Beacon Press, Stilgoe: Boston
- Moore, J. (2000). "Placing home in context". *Journal of Architectural and Planning Research*, No. 143: 2-24.